

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء - فصل فی احکام الجبائر

تاریخ: ۱۲ بهمن ۱۳۹۸

مصادف با: ۶ جمادی الثانی ۱۴۴۱

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

جلسه: ۲۶

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۹۴ بود، عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص قبل از اتمام مسحات یقین پیدا کند که شستن دست چپ را ترک کرده است یا در شستن دست چپ شک کند، پس آن را انجام داد [، یعنی دست چپش را شست] و وضو را تمام کرد و بعد از آن یقین پیدا کرد که دست چپ را شسته بوده است که در این صورت، محتمل است که به بطلان وضو حکم شود زیرا مسحات [مسح سر و پاها] یا بعضی از مسحات با آب جدید [آب غیر وضو] انجام شده است، لکن اقوی این است که به صحت وضو حکم شود زیرا شستن مرتبه دوم بنا بر اقوی مستحب بوده است، هرچند که آن شستن دوم مربوط به دست چپ باشد، پس آن شستن دوم در واقع مأموریه [به امر استحبابی] بوده است، پس آن شستن دوم مستحب بوده است و نیت وجوب به مستحب بودن شستن مرتبه دوم ضرری نمی زند [زیرا شستن مرتبه دوم از باب اشتباه در تطبیق است چون اگر می دانست که وظیفه اش وجوب نیست و مستحب است قطعاً نیت استحباب می کرد]، لکن احتیاط [مستحب] این است که وضو اعاده شود زیرا لزوم قصد استحباب در شستن دوم، محتمل است [، یعنی مرتبه دوم شستن حتماً باید به قصد استحباب باشد تا مشکلی نداشته باشد و چون قصد استحباب از وضوگیرنده متمشی نشده است، احتیاط این است که وضو را اعاده کند]، ولی اگر شخص علم پیدا کند یا شک کند که دست چپش را نشسته است و دست چپش را شست، سپس معلوم شد که دو بار دست چپش را شسته بوده است، یک بار از باب وجوب و یک بار نیز از باب استحباب، در این صورت که برای مرتبه سوم دست چپش را شسته است، وضو باطل است چون مسح با آب جدید لازم می آید.

بنابراین، طبق فرمایش مرحوم سید (ره)، اگر شخص قبل از اتمام مسحات یقین پیدا کند که شستن دست چپ را ترک کرده است یا در شستن دست چپ شک کند، پس دست چپش را شست و وضو را تمام کرد و بعد از آن یقین پیدا کرد که دست چپ را شسته بوده است، در این صورت، محتمل است که به بطلان وضو حکم شود زیرا مسحات [مسح سر و پاها] یا بعضی از مسحات با آب جدید [آب غیر وضو] انجام شده است، لکن اقوی این است که به صحت وضو حکم شود زیرا شستن مرتبه دوم بنا بر اقوی مستحب بوده است، هرچند که آن شستن دوم مربوط به دست چپ باشد، پس آن شستن دوم در واقع مأموریه [به امر استحبابی] بوده است لذا مستحب بوده است و نیت وجوب به مستحب بودن شستن مرتبه دوم ضرری نمی زند، لکن احتیاط [مستحب] این است که وضو اعاده شود زیرا لزوم قصد استحباب در شستن دوم، محتمل است.

دلیل حکم به بطلان وضو در فرض مذکور، این است که مسح با آب جدید صورت گرفته است و متعلق امر استحبابی، خصوص شستن مرتبه دوم است که به عنوان مرتبه دوم، قصد شده باشد نه اینکه به صورت اتفاقی، واقع شده باشد لذا شستن مرتبه دوم،

مصدق مستحب واقع نمی‌شود و مصداق واجب نیز نمی‌باشد چون مصداق واجب، همان مرتبه اول شستن است، در نتیجه مسحی که بعد از شستن مرتبه دوم انجام می‌شود مسح با آب جدید است و لذا به بطلان وضو حکم می‌شود.

اما دلیل حکم به صحت وضو در فرض مذکور، این است که شستن مرتبه دوم مستحب بوده است، هر چند که آن شستن دوم مربوط به دست چپ باشد، پس آن شستن دوم در واقع مأمور به [به امر استحبابی] و مستحب بوده است و نیت وجوب به مستحب بودن شستن مرتبه دوم ضرری نمی‌زند زیرا شستن مرتبه دوم از باب اشتباه در تطبیق بوده است چون اگر می‌دانست که وظیفه اش وجوب نیست و مستحب است قطعاً نیت استحباب می‌کرد. عده‌ای گفته‌اند که تفاوتی بین وجوب و استحباب نیست مگر اینکه در مستحب، رخصت در ترک است، لکن در وجوب اذن در ترک نیست پس منشأ وجوب و مستحب یکی است و فقط داعی مختلف است بنابراین، وضوی گرفته شده، صحیح است. توضیح اینکه، در عبادیت عبادت معتبر است که به عمل به قصد تقرب به خداوند متعال انجام شود و فرض این است که در صورتی که شخص به خیال اینکه دست چپش را نشسته، اگر دوباره آن را بشوید، این شستن نیز با قصد قربت بوده است. بنابراین اطلاق روایاتی که بر استحبابی بودن شستن مرتبه دوم دلالت دارند، شامل فرض مورد بحث نیز می‌شوند لذا وضویی که شخص گرفته است محکوم به صحت است. همچنین، در اینکه آیا قصد اعتبار استحباب به طور مشخص، لازم است یا لازم نیست، برائت جاری می‌شود و در نتیجه نیاز نیست که امر استحبابی حتماً به قصد استحبابی بودن انجام شود، در نتیجه رطوبتی که شخص با آن مسح را انجام می‌دهد، رطوبت آب وضو است و مشکلی ایجاد نمی‌کند. بلکه اگر قصد اعتبار استحباب لازم باشد و گفته شود که هر چیز منوط به قصد است و بدون قصد انجام نمی‌شود، جا برای احتیاطی که مرحوم سید (ره) ذکر است، وجود دارد.

فصل فی احکام الجبائر

وهی الألواح الموضوعة علی الکسر و الخرق و الأدوية الموضوعة علی الجروح و القروح و الدمامیل. فالجرح و نحوه إمّا مکشوف أو مجبور و علی التقديرین إمّا فی موضع الغسل أو فی موضع المسح ثم إمّا علی بعض العضو أو تمامه أو تمام الأعضاء ثم إمّا یمكن غسل المحلّ أو مسحه أو لا یمكن فإن أمکن ذلك بلا مشقة و لو بتکرار الماء علیه حتّی یصل إلیه لو کان علیه جبيرة أو وضعه فی الماء حتّی یصل إلیه بشرط أن یكون المحلّ و الجبيرة طاهرين أو أمکن تطهیرهما وجب ذلك و إن لم یمكن إمّا لضرر الماء أو للنجاسة و عدم إمكان التطهیر أو لعدم إمكان إیصال الماء تحت الجبيرة و لا رفعها فإن کان مکشوفاً یجب غسل أطرافه و وضع خرقة طاهرة علیه و المسح علیها مع الرطوبة و إن أمکن المسح علیه بلا وضع خرقة تعین ذلك إن لم یمكن غسله كما هو المفروض و إن لم یمكن وضع الخرقة أيضاً اقتصر علی غسل أطرافه لكنّ الأحوط ضمّ التیمم إلیه...^۱

مرحوم سید (ره) نوشته است که جبیره آتلی است که بر روی موضع شسخته شده گذاشته می‌شود و همچنین، جبیره، پارچه و دارویی است که بر روی جراحات و زخم‌ها و دمل‌ها گذاشته می‌شوند. پس جراحات و امثال آن یا مکشوفند یا بسته شده‌اند - جبر به معنای اصلاح و ترمیم است - و بنا بر هر دو تقدیر یا آن جراحت و امثال آن در موضع شستن است یا در موضع مسح است، سپس آن جراحت و امثال آن یا در بعضی از عضو است یا در تمام عضو است یا در تمام اعضا است، پس یا شستن آن محل یا مسح آن محل ممکن است یا ممکن نیست، پس اگر شستن یا مسح آن [موضعی که جبیره دارد] بدون مشقت ممکن باشد،

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۵.

واجب است که شسته شود، هرچند که در صورتی که جبیره در آن موضع باشد، شستن آن به تکرار آب بر آن صورت گیرد تا اینکه آب به آن برسد [، یعنی آنقدر آب بر آن موضع بریزد که یقین کند آب به پوست رسیده است] یا اینکه آن موضع را در آب قرار دهد تا آب به پوست برسد، به شرط اینکه آن محل و جبیره پاک باشند یا اگر نجس باشند امکان تطهیر آن وجود داشته باشد، ولی اگر شستن موضعی که جبیره دارد به خاطر ضرر داشتن آب یا به خاطر نجاست آن موضع و عدم تطهیر آن یا عدم امکان رساندن آب به آن موضعی که زیر جبیره است و عدم امکان برداشتن جبیره، ممکن نباشد، اگر آن موضع باز باشد، واجب است که اطراف آن موضع شسته شود و پارچه‌ای پاک روی آن گذاشته می‌شود و با رطوبت دست روی آن پارچه مسح می‌شود و اگر مسح آن موضع، بدون اینکه پارچه‌ای روی آن گذاشته شود، ممکن باشد، ولی شستن آن ممکن نباشد، روی آن موضع مسح می‌شود، کما اینکه فرض نیز همین است، اما اگر گذاشتن پارچه بر موضع مورد نظر نیز ممکن نباشد، به شستن اطراف آن موضع اکتفا می‌شود، لکن احتیاط این است که [علاوه بر وضوی جبیره] تیمم نیز انجام شود....

بحث جلسه آینده: ادامه بحث از احکام جبیره، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»